



## The criminal Policy of Iran and the United States in Support of the Spritual Damage Suffered by the Victim

**Morteza Shakibamehr<sup>1</sup>, Yaser Yahyazade\*<sup>2</sup>, Mohammad Nabipour<sup>3</sup>**

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoly University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoly University, Amol, Iran.. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, North Non-Profit University, Amol, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 225-236**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** +989113005433

**Email:** yahyazadeyaser@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 22 Oct 2024

**Revised:** 24 Dec 2024

**Accepted:** 05 Feb 2025

**Published online:** 21 Mar 2025

**Keywords:**

*Spiritual Damage, Crime, Victim, Criminal Liability, Compensation.*

### ABSTRACT

Spiritual damage is a set of damages that are inflicted on a person's spirit and cause the victim's personal, social, occupational and family dignity to be violated. As an example, moral damage in Iranian law refers to the dignity and honor of a person and the most obvious example of that is Article 14 of the Criminal Procedure Law approved in 2013 and in American law, moral damage is seen as a violation of the privacy of the victim. The lack of a precise definition of spiritual injury has caused confusion in the compensation of spiritual injury. Criminal policy to support moral damage increases trust in the judicial system, eliminates secondary delinquency and reduces the tendency to take personal revenge. The purpose of present study is the comparative study of the legislative policy of Iran and the United States to support spritual damage suffered by the victim. The research method is a descriptive analysis that deals with the position of jurists, Iranian and American law with a comparative view. The findings indicate that spritual damage has been important in the Islamic Penal Code approved in 2013 and the Code of Criminal Procedure. Protection and compensation for moral damage for the victim includes material and moral losses caused by the crime. In American law, the method of apology and compensation is considered to protect the victim, which means accepting the responsibility of the guilty person. As a result, spritual damage has been accepted in terms of the laws of Iran and the United States and it has been compensated in the laws of these two countries and the financial and non-financial compensations have been the solution to repair spritual damage.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Shakibamehr, M; Yahyazade, Y & Nabipour, M (2025). "The criminal Policy of Iran and the United States in Support of the Spritual Damage Suffered by the Victim". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(1): 225-236.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

## سیاست جنایی ایران و آمریکا در حمایت از آسیب معنوی بزه‌دیده

مرتضی شکیبامهر<sup>۱</sup>، یاسر یحیی‌زاده<sup>۲\*</sup>، محمد نبی‌پور<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل، ایران.

### چکیده

آسیب معنوی، مجموعه صدماتی است که به روحیه شخص وارد می‌شود و سبب هتک حیثیت فردی، اجتماعی، شغلی و خانوادگی بزه‌دیده می‌شود. از نظر مصداقی، آسیب معنوی در حقوق ایران متوجه حیثیت و شرافت شخص می‌گردد و بارزترین مصداق آن ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و در حقوق آمریکا، آسیب معنوی باعث نقض حریم خصوصی شخص بزه‌دیده می‌شود. عدم تعریف دقیقی از آسیب معنوی سبب سردرگمی در جبران آسیب معنوی شده است. سیاست جنایی برای حمایت از آسیب معنوی باعث می‌شود که اعتماد به دستگاه قضایی افزایش یابد، زمینه بزهکاری ثانویه از بین می‌رود و گرایش به انتقام شخصی کاهش می‌یابد. هدف از این پژوهش مطالعه تطبیقی سیاست تقنینی حقوق ایران و آمریکا در حمایت از آسیب معنوی بزه‌دیده است. روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است که با نگاهی تطبیقی به موضع فقها، حقوق ایران و آمریکا می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از این است که آسیب معنوی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آیین دادرسی کیفری مورد اهمیت قرار گرفته است. حمایت و جبران خسارت از آسیب معنوی برای بزه‌دیده شامل ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم است. در حقوق آمریکا برای حمایت از بزه‌دیده روش عذرخواهی و غرامت در نظر گرفته شده است که به معنای پذیرش مسؤلیت فرد مقصر می‌باشد، در نتیجه آسیب معنوی از نظر حقوق ایران و آمریکا پذیرش شده است و در حقوق این دو کشور جبران مالی و غیرمالی راهکار ترمیم آسیب معنوی است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۵-۲۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: .....

تلفن: +۹۸۹۱۱۳۰۰۵۴۳۳

ایمیل: yahyazadeyaser@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

آسیب معنوی، جرم، بزه‌دیده، مسؤلیت کیفری، جبران خسارت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

مبانی آن پرداخته می‌شود و در بخش سوم و چهارم، آسیب معنوی در حقوق ایران و آمریکا مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۱- مفهوم خسارات معنوی از نظر حقوق ایران و آمریکا

خسارات معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پرابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست، زیرا با این که در متون قانونی متعدد به کار رفته و در نوشته‌ها و تألیفات حقوق دانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، اما در هیچ یک از متون مزبور تعریفی از خسارت معنوی به عمل نیامده است و حقوق دانان نیز در تعریف آن وحدت نظر ندارند، البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره‌ای از عناصر مهم تشکیل دهنده خسارت معنوی اشاره شده است، مثلاً در صدر ماده ۸ قانون مسؤولیت مدنی آمده است: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسؤول جبران آن است» یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد.» در ماده ۱۴ ق.آ.د.ک نیز آمده است: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی است» (پنق، ۱۳۹۶: ۶).

ذیل ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸ نیز آمده است: «... و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام نمود.»

به نظر نگارنده از مجموع مواد مزبور چنین استفاده می‌شود که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص، از جمله خسارات معنوی است، ولی بی‌تردید خسارات معنوی محدود به این نبوده و مصادیق بسیار دیگر نیز دارد که در مواد قانونی مورد عنایت قرار نگرفته است.

منظور از آسیب‌های معنوی اقداماتی است که موجب نقض حریم خصوصی اشخاص می‌گردد یا مرتکب با افترای شفاهی یا کتبی چه به واقع یا کذب درصدد آسیب به حیثیت فردی و عمومی شخص می‌باشد. فارغ از فقدان جنبه کیفری این اقدامات، برای قربانی حق مطالبه آسیب معنوی در نظر گرفته شده است (Bertoni, 2010: 1). مدعی ورود آسیب معنوی

خسارت به دو دسته مادی و معنوی قابل تقسیم است. زیان‌های ناشی از صدماتی که به جسم، حیثیت و یا هر دوی آن‌ها وارد شود، می‌توان جبران خسارت ضرر مادی یا معنوی درخواست نمود. براساس قوانین، صراحت قانون‌گذار در مطالبه خسارت و حمایت از آسیب معنوی اشخاص قابل دفاع بوده است. در حمایت از بزه‌دیده، قانون آیین دادرسی کیفری خسارت معنوی را قابل مطالبه دانسته است که براساس آن در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر است: «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند و برای جبران و حمایت در کنار جبران مالی، به جبران غیرمالی نیز اشاره شده است.» سؤالی که می‌توان مطرح نمود، این است که در حقوق ایران و آمریکا زیان معنوی چگونه حمایت می‌شود؟ فرضیه‌ای که می‌توان مطرح نمود، حاکی از پذیرش خسارت معنوی مانند دیگر ضررهای مادی و جسمی بوده است. نوآوری پژوهش در بررسی تطبیقی حقوق ایران و آمریکا می‌باشد، زیرا پژوهشی که به بررسی تطبیقی حقوق ایران و آمریکا در حمایت از آسیب معنوی بزه‌دیده نگارش شده باشد، وجود ندارد، اما موضوعات نزدیک به بحث شامل:

یوسفی صادق‌لو و سرمست درگاه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه تطبیقی ارکان آسیب معنوی در حقوق ایران و فرانسه» در بیان مفهوم آسیب معنوی معتقد است که ضرر ممکن است به‌واسطه از بین رفتن مالی باشد یا فوت شدن منفعتی که از انجام نشدن تعهدی حاصل شده باشد.

هاشمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «قلمرو خسارات قابل جبران با تأکید بر تحولات قوانین کیفری» به انتخاب سؤالات معمول مطرح در زمینه ضررهای ناشی از جرم در مقام عمل به‌نحو شایسته پرداخته‌اند.

در مقاله حاضر سیاست جنایی حقوق ایران با توجه به قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، همچنین حقوق آمریکا در دو بخش پرداخته شده است. به همین منظور ابتدا خسارت معنوی از نظر مفهومی با توجه به حقوق ایران و آمریکا تعریف می‌شود و با نگاهی فقهی به موضوع آسیب معنوی و

شخصی که وارد خانه دیگری شده است و از درخت خرما می‌آن خانه استفاده می‌کند و سرزدن‌های بدون اجازه به آن خانه را حق خود می‌داند، مطرح کرده‌اند و بیان کرده‌اند که رسول خدا ضرر وارد شده به افراد خانه را بدون توجیه دانسته است و مرد عرب حق وارد کردن ضرر و آسیب معنوی به افراد آن خانه را نداشته است (پنق، ۱۳۹۶: ۱۸).

۲- قاعده لاجرح: یکی از قاعده که علما از آن برای جبران خسارت معنوی استفاده کردند، قاعده لاجرح است، علمای لغت جرح را به تنگی معنا کردند (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۷۳). لاجرح یعنی نفی ضیقی و تنگی، یعنی هرگونه جرح در اسلام نفی شده است، به عبارت دیگر کسی حق ندارد نسبت به دیگری عملی را متعرض شود که آن عمل او را در تنگنا و آشوفتگی قرار دهد، اگر کسی این عمل را انجام دهد باید ضامن جبران آن باشد.

واردکننده خسارت معنوی باید بطرق اولی خسارت معنوی را جبران کند، خسارات که در اسلام نکوهش شده و مورد نفرت اسلام است، خسارت معنوی که به دیگران وارد می‌شود، مثال، دختری که مورد تعرض و تجاوز ناموسی قرار می‌گیرد و در نتیجه این جنایت بکارت خود را زائل شده می‌بیند، علاوه ضرب و جرح بدنی و فیزیکی که بر وی وارد می‌شود، با از دست دادن امتیاز غیرقابل جبران به نام پرده بکارت خود ممکن است تا آخر عمر، نتواند ازدواج کند یا خودش آمادگی روحی و روانی جهت ضربه سخت که بر وی وارد شده است، ندارد و یا این که دیگران تمایل ندارد که با او ازدواج کند، چون انسان‌ها معمولاً خوش ندارند، به حریمی وارد شود که یکبار توسط دیگری شکسته شده است، حال سؤال آنجا است که برای چنین فردی نمی‌شود، گفت در تنگنا قرار گرفته است؟ و آیا اسلام چنین ضرر را بی‌جبران می‌گذارد؟ آیا متجاوز هیچ مسؤولیت ندارد.

همان‌گونه که بیان شد، روایات، آیات قرآن کریم به آسیب‌های مادی و معنوی اشاره داشته‌اند که حاکی از عدم پذیرش آسیب از نظر روحی و معنوی بوده‌اند. روایات بی‌شماری برای آسیب‌های معنوی وجود دارد، از جمله روایت زراره در رابطه با سمره بن جندب از امام باقر نقل شده است که به روایت لاضرر معروف است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۶۷) و عبارت اصلی حدیث چنین است: «... اذهب فاقلها وارم بها الیه فانه لاضرر و لاضرار...»

باید اثبات کند که درد و رنج ناشی از صدمات معنوی علاوه بر این که استمرار داشته، بزه‌دیده آن را درک نموده است (صالحی، ۱۳۹۹: ۸۳). به این معنا که اگر بزه‌دیده به دلایل مختلف جسمانی همچون کما یا فلج یا معلولیت‌های ذهنی قادر به درک آسیب معنوی نباشد، نمی‌تواند مدعی مطالبه غرامت شود. در این کشور مواردی همچون درد و رنج ناشی از صدمات بدنی، افترا و توهین، بازداشت و تعقیب غیرقانونی، تجاوز به امور محرمانه، افشای اسرار و ورود غیرقانونی به حریم خصوصی اشخاص، بی‌عفتی به زنان می‌باشد (فیاضی، ۱۳۹۷: ۵۲).

ادوارد برتونی بر این باور است که افترا چه به صورت کتبی یا شفاهی، نقض حریم خصوصی و لطمه به شهرت اشخاص محسوب می‌شود و اگرچه فاقد عنوان کیفری و غیرمجرمانه است، لیکن حق مطالبه آسیب معنوی را برای قربانی به وجود می‌آورد (Bertoni, 2010: 1). برخی نویسندگان معتقدند نقض حریم خصوصی، شامل تجاوز به خلوت اشخاص، نشر حقایق زندگی خصوصی افراد بدون رضایت و اذن آن‌ها، انتشار اکاذیبی علیه افراد در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و سوءاستفاده از نام و شهرت اشخاص می‌شود (William, 1960: 389). باتوجه به آن چه ذکر شد، نگارنده بیان می‌کند که مصادیق آسیب‌های معنوی همچون تعدی به حریم خصوصی اشخاص یا سوءاستفاده از نام و شهرت آن‌ها باید به گونه‌ای باشد که اولاً موجب ضرر به مدعی گردد؛ ثانیاً این ضرر علاوه بر استمرار برای مدعی قابل درک باشد.

## ۲- مبانی فقهی جبران خسارت معنوی

در فقه اسلامی، اگرچه درباره خسارت معنوی بحث‌های دسته بندی شده و منظم و قابل توجه وجود ندارد، اما در لابلای کلمات علما بسیار دیده می‌شود که در این زمینه اشاره شده است که بنابر وسع این تحقیق مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- قاعده لاضرر: علما و محققین به منظور جبران آسیب معنوی به قاعده لاضرر استناد نموده‌اند. همه علما از قاعده لاضرر در کلیه آسیب‌های معنوی بهره جسته‌اند و براساس آن آسیب معنوی را قابل جبران دانسته‌اند. استناد فقها سخنان رسول خدا است که روایت شده است رسول خدا با دیدن رفتار قبیح

که هرگونه صدمه و خسارتی شامل آسیب معنوی نیز می‌گردد (سرخوش و پژم، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

یکی از مواردی که می‌توان گفت شارع و به پیروی از آن قانون‌گذار به‌صورت ویژه به جبران آسیب معنوی پرداخته و حتی برای آن نیز جرم‌انگاری کرده است، به‌گونه‌ای که چنان چه شخصی مرتکب آن شود، جبران آن تنها از طریق مجازات وی میسر می‌گردد، جرم قذف است. مطابق ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی: «قذف عبارت است از نسبت‌دادن زنا یا لواط به شخص دیگر». در اثر چنین نسبت ناروایی قطعاً، آبرو، حیثیت و اعتبار فرد آسیب می‌بیند و شارع و قانون‌گذار برای تسلی خاطر زیان‌دیده و اعاده حیثیت، وی عمل قذف را جرم اعلام نموده و اجرای حد قذف را هم منوط به تقاضای مقذوف نموده است.

یکی دیگر از مواردی که در جبران آسیب معنوی ریشه فقهی نیز دارد، در ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی تجلی یافته است. مطابق این ماده «هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد، موجب ضمان مهرالمثل است.» ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی نیز در این راستا بیان می‌دارد: «برای تعیین مهرالمثل‌های زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقارب و همچنین معمول محل و ... و با نظر حاکم در نظر گرفته می‌شود» (زبرجد، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

نگارنده نتیجه می‌گیرد که مراد قانون‌گذار از تعیین ضمان مهرالمثل به‌نوعی جبران آسیب معنوی بزه‌دیده می‌باشد، چراکه در ادامه تبصره ۱ همان ماده نیز مقرر می‌دارد که «چنان‌چه ازاله بکارت با رضایت صورت گرفته باشد، چیزی ثابت نیست، چراکه دیگر نمی‌توان او را بزه‌دیده در نظر گرفت و بتوان گفت متحمل آسیب معنوی شده است.»

### ۳-۱- جبران آسیب معنوی در جرایم موجب دیه

نهاد دیه در برابر جبران خسارت‌های بدنی قرار می‌گیرد، در این خصوص در بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد، بدین صورت که برخی ضرر در ناحیه جسم را فقط مادی می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳: ۴۱۶) و برخی دیگر ضرر را در ناحیه جسم صرفاً معنوی می‌دانند و برخی نیز چنین بیان می‌دارند که: «قتل و ضرب و جرح، قطع عضو و تغییر شکل آن خسارت‌های

روایت ابن ابی‌عمیر از امام صادق (ع) راجع به رم‌دادن شتر و بر زمین خوردن راکب آن که حکم جبران خسارات (اعم از مادی و معنوی) صادر فرموده‌اند متن اصلی این روایت چنین است: «... کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه.» روایت ابی‌الصباح کنانی از امام صادق (ع) که در مورد مسؤلیت ناشی از اضرار به مسلمین صادر شده است. متن اصلی روایت که با حدیث بالا شباهت دارد، چنین است: «کل من اضر بشئی من طریق المسلمین فهو له ضامن.» خسارت و آسیب معنوی در بین بسیاری از فقها مانند نجفی خوانساری، عبدالفتاح مراغی و نایینی مورد بحث قرار گرفته است، مثلاً خوانساری (نجفی خوانساری، ۱۳۵۸: ۳۵۴) که از شاگردان مبرز مرحوم نایینی است، می‌نویسد: «ضرر عبارتست از فوت چیزی که انسان آن را واجد است، خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا عضوی از اعضای بدن...» قبل از ایشان مرحوم عبدالفتاح مراغی (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۱۵) می‌نویسد: «هتک عرض از مصادیق ضرر حقیقی است و امثال آن ضرر محسوب می‌گردد.» ادعای این که ضرر متصرف به مال یا بدن است و شامل امثال هتک عرض نمی‌شود، حرف بی‌جایی است، بلکه حق این است که این‌گونه ضایعات مصداق ضرر است.

آیت ... مکارم شیرازی نیز در تعریف ضرر می‌نویسد: «ضرر از دست‌دادن هر چیزی است که ما واجد آنیم و از آن نفع می‌بریم از مواهب حیات یا نفس یا مال یا عرض...» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۷۱).

### ۳- جبران خسارت آسیب‌های معنوی بزه‌دیدگان در قانون مجازات ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی به‌صورت صریح به جبران آسیب معنوی یا جرم‌انگاری آن اشاره نشده است، اما به‌صورت ضمنی می‌توان گفت در برخی مواد به لزوم جبران آسیب معنوی تأکید شده است. به‌عنوان مثال ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد و یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسؤلیت کیفری و مدنی است.» واضح است



معنوی چه می‌شود؟ که به‌نظر می‌رسد در جرایم موجب دیه باید ببینیم در موارد غالب و عرفی یک صدمه جسمانی چه میزان خسارت مادی دربر دارد و اگر خسارت مادی وارده بیش از این میزان غالب و عرفی باشد، مقدار مازاد باید جبران شود، خواه میزان آن مازاد بر مقدار دیه باشد و خواه نباشد. برای مثال اگر برای صدمه‌ای جسمانی دیه به مقدار هشت میلیون تومان در نظر گرفته شده باشد و در مورد غالب هزینه درمان متعارف آن صدمه دومیلیون تومان باشد، ولی در آن مورد هزینه درمان به میزان هشت میلیون تومان افزایش پیدا کند، مقدار مازاد بر دومیلیون تومان که برای جبران خسارت مادی در نهاد دیه در نظر گرفته شده بود، باید پرداخت شود.

نگارنده بیان می‌کند با نگاهی به قوانین اسلام و فرهنگ اسلامی متوجه می‌شویم که اسلام برای شخصیت معنوی انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای قائل است. حال می‌خواهیم با بررسی مقررات مربوط به دیات به اثبات این امر بپردازیم که دیه می‌تواند به بهترین وجه در مقابل خسارت معنوی ناشی از صدمات جانی لحاظ شود.

– ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درخصوص ارش بیان داشته است که ارش دیه غیرمقدر است و مقرات دیه مقدر، در مورد ارش نیز جریان دارد، این ماده ارش را شامل جبران تمام خسارات وارده بر مجنی‌علیه باتوجه به نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه می‌داند و معیار و ملاک تعیین ارش در این ماده دیه مقدر، در نظر گرفته شده است که باتوجه به ماده ۵۴۸ قانون مجازات اسلامی میزان ارش نباید از دیه مقدر بیشتر شود، پس با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت دیه نیز باتوجه به این‌که معیار و ملاک تعیین ارش در جبران تمام خسارات مادی و معنوی در نظر گرفته شده است، خود نیز جبران تمام خسارات مادی و معنوی را در موارد غالب در نظر دارد.

– ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیه قتل زن را نصف دیه مرد دانسته است، برخی درخصوص این ماده گفته‌اند تفاوت دیه به‌جهت تفاوت در ارزش‌های زن و مرد است، در تفسیر این ماده باید گفت که در تعیین دیه تأثیر جنایت از نظر جسمی، روانی و معیشتی در فرد و خانواده و اجتماع در نظر گرفته

معنوی هستند که بر مجنی‌علیه وارد می‌شود و قانون‌گذار در پیش بینی دیه جبران این خسارات را تا حد ممکن در نظر دارد، اما خسارت های مالی که در خیلی از موارد در نتیجه خسارات معنوی یا به‌همراه آن به‌وجود می‌آیند امری جداگانه بوده و داخل در دیه نیست» (سرخوش و پژم، ۱۳۹۶: ۱۸۶-۱۸۵).

لازم به‌ذکر است که آسیب حاصله از صدمه بدنی می‌تواند از نظر مادی و معنوی تأثیرگذار باشد، به این معنا که آسیب واردشده، جسم و روح شخص بزه‌دیده را درگیر می‌کند. گاه‌ها در کنار صدمه جسمانی و روحی، صدمه مادی نیز وجود دارد. مثالی که می‌توان مطرح نمود، این است که هزینه‌های درمان در کنار صدمه بدنی و تألمات روحی ناشی از آسیب می‌تواند زبان مادی و معنوی حاصل از صدمات جسمانی را ایجاد کند (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۲۴۶).

حال باید دید نهاد دیه که در برابر صدمات جسمانی قرار می‌گیرد، خسارات مادی ناشی از این صدمات را جبران می‌کند یا خسارات معنوی را؟ در این خصوص آیت‌الله منتظری بر این باورند که دیه جبران خسارات مادی و معنوی را با هم دربر می‌گیرد و بیان می‌دارند: «از مجموع قرائن چنین برمی‌آید، دیه مالی است که به‌خاطر نقض حرمت مادی و معنوی افراد پرداخت می‌شود» (منتظری نجف آبادی، ۱۳۸۷: ۵۸).

«دیه بنا به فرض دست کم بخشی از تمام خسارت‌ها اعم از مالی و معنوی را پوشش می‌دهد، زیرا دلیلی وجود ندارد که دیه را تنها جبران‌کننده آسیب معنوی یا هزینه‌های پزشکی یا خسارت از کار افتادگی و یا سایر انواع خسارات بدانیم» (ایزنلو، ۱۳۸۷: ۴۴).

پس براساس نظراتی که گفته شد، دیه‌ای که در برابر خسارات ناشی از صدمات بدنی که هم خسارت مادی و هم معنوی را به دنبال دارد، قرار می‌گیرد را باید جبران هر دو نوع خسارت مادی و معنوی در مورد غالب عرفی و متناسب با صدمه وارد شده دانست، اما در اینجا سوآلی پیش می‌آید و آن این است که گفته شده است خسارات مادی ناشی از صدمات جسمانی درصورتی قابل جبران است که مازاد بر دیه باشد، حال اگر خسارات مادی ناشی از صدمات جسمانی به اندازه تمام مقدار دیه در نظر گرفته شده یا بیش از آن باشد، در این صورت تکلیف جبران آسیب

معنوی‌اند و صدمات روحی را نیز به‌دنبال دارند، به مراتب دیه بیشتری را نسبت به دیه سایر صدمات جسمی دربر می‌گیرند که باید این موضوع را به‌معنای توجه خاص نهاد دیه به جبران خسارات معنوی بدانیم و باتوجه به مقادیری که برای دیه اعضای سر و صورت، از جمله مو، ریش، لب، ابرو، بینی و ... در نظر گرفته شده است که اکثراً به اندازه دیه کامل انسان‌اند و با مقایسه مقادیر دیه جراحات وارده بر سر و صورت و جراحات وارده بر سایر اعضا و توجه به این موضوع که طبق تبصره ۴ ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی که اگر جراحی بر سر و صورت وارد شود، دیه آن پرداخت می‌شود و پس از آن اگر عیب فاحشی در صورت باقی بماند، باز هم مستلزم دیه است، همگی نشان از توجه خاص شارع به جبران آسیب معنوی در نهاد دیه دارند.

در جبران خسارت مجنی‌علیه هدف کسب سود برای او نیست، بلکه هدف آن است که اگر خسارت مادی یا مالی است، جبران شود و وضع زیان‌دیده به حال سابق برگردد و اگر زیان معنوی است پرداخت خسارت موجب تحصیل رضایت زیان‌دیده گردد و برای کسب این رضایت چه ملاکی بهتر از مقدار تعیین‌شده توسط شارع (شایانی، ۱۳۹۸: ۷۶).

### ۳-۱-۱- مطالبه مجدد ضرر

حال ضرری را که به‌گونه‌ای جبران شده است را نمی‌توان دوباره مطالبه کرد و اصل بر منع جمع چند وسیله جبران ضرر و تکرار جبران آن است و تصمیمی که دادگاه کیفری در خصوص جبران خسارت می‌گیرد، از اعتبار امر به مختوم در امور مدنی بهره‌مند می‌گردد، یعنی دادگاه حقوقی در رسیدگی به جبران خسارت در خصوص موضوع کیفری که دادگاه کیفری حکم صادر کرده است، نمی‌تواند رسیدگی مجدد کند و تصمیمی دیگر بگیرد. در دادن دیه به مجنی‌علیه باتوجه به آنچه که گفتیم و باتوجه به معیار و ملاک نوعی و رعایت اصل انصاف و تناسب مقدار دیه با خسارات مادی و معنوی که در مورد غالب از صدمات جسمانی یا نفسانی حاصل می‌شود، می‌پردازد و خسارات مادی و معنوی مجنی‌علیه در مورد غالب را جبران می‌کند و طرح دعوی در این بخش از زیان که با دادن دیه جبران شده است، تکرار دعوی سابق است. در اینجا اشاره

می‌شود و علت این دوبرابری دیه مرد آن است که به‌طور معمول دیه زن به شوهر و فرزندان پرداخت می‌شود و دیه مرد به زن و بچه هایش می‌رسد و چون با فوت شوهر زن بیشتر صدمه می‌بیند، لذا دیه مرد بیشتر تعیین گردیده است و در این خصوص نیز موارد غالب جامعه که هزینه‌های خانه و کفالت خانواده برعهده مرد است نیز در نظر گرفته شده است و از این مورد می‌توان نتیجه گرفت که دیه جبران آسیب معنوی را نیز شامل می‌شود و در تعیین دیه دو اصل انصاف و تناسب که رویه دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر برای تعیین خسارات‌های معنوی است را نیز مورد توجه قرار داده است.

- همچنین قانون‌گذار در ماده ۵۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیه اعضایی که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته قرار می‌گیرند و مانند عضو اصلی دارای حیات می‌شوند، به میزان دیه عضو اصلی دانسته است و اگر دارای حیات گردد، ولی از جهت دیگری معیوب گردد، دیه عضو معیوب را دارد و از بین بردن اعضای مصنوعی تنها موجب ضمان مالی است. در این ماده از قسمت آخر آن می‌توان دریافت که منظور از ضمان مالی، صرف جبران خسارت مادی است و به‌گونه‌ای آن را از دیه متفاوت و جدا دانسته است و می‌توان گفت که دیه تنها جبران خسارت مادی نیست، بلکه خسارات معنوی را نیز دربر می‌گیرد.

- همچنین قانون‌گذار در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مواردی را بیان می‌دارد که دیه جنایات متعدد وارده به یک عضو، مثلاً شکستگی‌های متعدد یک عضو بیشتر از دیه آن عضو است، هرچند آن عضو بهبود یابد، می‌توان به این موضوع که دیه جبران خسارات معنوی را در نظر می‌گیرد پی برد و آن را می‌توان با موردی مقایسه کرد که خسارت وارده به یک شیء مادی نمی‌تواند بیش از قیمت یا ارزش مادی آن مال باشد، مگر این‌که ارزش معنوی آن مال در نظر گرفته شود که در این صورت جبران خسارت وارده می‌تواند بیشتر از ارزش مادی آن مال باشد.

به‌صورت کلی نگارنده بیان می‌کند، باتوجه به مقادیر مشخص شده در دیات می‌توان دریافت که دیه تعیین‌شده برای خسارت‌هایی که مربوط به زیبایی‌اند که خود این خسارات نیز آسیب

بودن ضرر این است که بین فعل زیان‌بار و ضرر، حادثه دیگری وجود نداشته باشد تا جایی که بتوان گفت ضرر در نظر عرف از همان فعل ناشی شده است» (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۲۸۶) و در واقع می‌توان گفت قانون‌گذار این عمل را برای جلوگیری از ایجاد سلسله‌ای از خسارات‌های معنوی انجام داده است. با بررسی حقوق مربوط به شخصیت می‌توان گفت صدمات بدنی دو دسته خسارات معنوی را به صورت بی‌واسطه به همراه دارد که یکی خسارات وارده بر جسم (از قبیل نقص عضو یا نقص زیبایی) و دیگری خسارات وارده به عواطف انسان که قابل تفکیک از خسارات دسته اول نیستند و به همراه نقص عضو یا از بین رفتن زیبایی برای فرد ایجاد می‌شوند.

برای فهم بهتر موضوع خوب است که به مثالی توجه کنیم: «شخصی در حادثه رانندگی آسیب می‌بیند و دادگاه به خسارت شکستن استخوان و بیکاری موقت او حکم می‌دهد. پس از چندی عوارض روانی و جسمی ناشی از آن صدمه بروز می‌کند و باعث از کارافتادگی همیشگی مجروح می‌شود، همسرش طلاق می‌گیرد، خانواده‌اش از هم می‌پاشد و دارایی‌اش بر باد می‌رود و به بدبختی می‌افتد، ولی آیا تمام این تیره‌بختی‌ها را و تمام این خسارات‌های معنوی را می‌توان از آثار تصادم رانندگی و نتیجه مستقیم تقصیر خوانده دعوی دانست؟ بی‌گمان پاسخ منفی است و عرف ضررهای بی‌واسطه را که علتی ویژه خود دارد، ناشی از تقصیر شخص مقصر نمی‌داند» (ره‌پیک، ۱۴۰۱: ۳۹۵).

**۳-۲- ضرر معنوی در جرم مستوجب تعزیر منصوص شرعی**  
تعزیرات منصوص شرعی، تعزیراتی است که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده است. به موجب تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «... مقررات مرتبط به ... پرداخت آسیب معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی ... نمی‌شود» در مواردی که تعزیر منصوص به اجرا گزارده می‌شود، آسیب معنوی قابل مطالبه نخواهد بود.

نگارنده معتقد است که علت این‌که قانون‌گذار در تعزیرات منصوص، خسارات معنوی را قابل ترمیم ندانسته، این است که میزان مسؤلیت فاعل زیان در تعزیرات منصوص، در شرع به

به ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مفید به نظر می‌رسد، این ماده که در فصل ضمان دیه آورده شده، بیان داشته است که دیه احکام و آثار مسؤلیت مدنی و ضمان را دارد، یکی از این آثار، جبران خسارت است که اگر مبلغ خسارت به طور قطعی معین شده باشد، «این حکم در حدود مفاد خود اعتبار امر مختوم را دارد و تجدید نظر در آن امکان ندارد» (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۱۷۲).

### ۳-۱-۲- جبران آسیب معنوی ناشی از صدمات بدنی

درخصوص جبران آسیب معنوی ناشی از صدمات بدنی باید اظهار داشت که حقوق وسیله کشف واکنش‌های درونی اشخاص را ندارد و از نظر عملی و قضایی هم تعیین و احراز آسیب معنوی به وسیله قاضی امر فوق‌العاده مشکلی است و با این تفاسیر باید گفت در جایی که معیار و ملاکی برای احراز ارزیابی آسیب معنوی وجود ندارد و باید به تخمین و حسابرسی بدون معیار و ملاک دست زد، دیگر صلاح نیست که از دیه مقدر که به بهترین وجه به جبران خسارات معنوی می‌پردازد، پا را فراتر گذاریم و به تخمین و حسابرسی بدون معیار و ملاک آسیب معنوی که باعث بی‌نظمی و تشنگی آرا می‌شود، بپردازیم، قانون‌گذار نیز در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری باتوجه به همین مسائل میزان تعیین‌شده توسط شارع را برای خشنودکردن و رضایت قربانی کافی می‌داند و پرداخت آسیب معنوی را شامل جرایم موجب دیه نمی‌داند که البته باید گفت این منع پرداخت به معنای عدم جبران آسیب معنوی نیست، بلکه بدین معناست که به مبلغی که در نهاد دیه برای جبران این آسیب معنوی تعیین شده، بسنده کرده است (شایانی، ۱۳۹۸: ۷۷).

همچنین باید گفت که قانون‌گذار در نهاد دیه جبران خسارات معنوی که به صورت بی‌واسطه از صدمات جسمانی ایجاد می‌شوند و صدمه جسمانی سبب مؤثر در ایجاد آن است را در نظر گرفته و پرداخت سایر خسارات معنوی مازاد بر دیه را که در نتیجه این خسارات معنوی (یعنی آسیب معنوی جبران‌شده توسط دیه مانند نقص عضو و تألم روحی ناشی از آن) ایجاد می‌شوند را به علت بی‌واسطه بودن و این‌که عرف آن‌ها را منتسب به شخص نمی‌داند غیرممکن می‌داند: «منظور از بی‌واسطه



بیستم ژانویه ۲۰۰۴ به تصویب رسید. قانون حقوق بزه‌دیده<sup>۲</sup>، به‌عنوان ضمیمه شماره ۳۷۷۱ به بخش دوم فصل ۱۸ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا افزوده شد. در بخش E از این قانون، بزه‌دیده فردی است که به‌طور مستقیم و بلافاصله در اثر ارتکاب جرم آسیب‌دیده باشد و منظور از آسیب اعم است از آسیب‌های مادی، معنوی و روانی در دادگاهی در ایالت میشیگان در سال ۲۰۰۸، دادگاه استدلال نمود که مغز بخشی از بدن است، پس اختلال استرس پس از حادثه بدون تظاهرات فیزیکی به‌عنوان آسیب روانی شناخته نمی‌شود. در سال ۲۰۱۱ یک دادگاه در دعوایی مشابه دریافت که آسیب روانی ناشی از مشاهده صحنه تصادف قابل مطالبه است (صادق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸۵). در پرونده‌ای در سال ۱۹۹۸ نیز دولت واشنگتن مدعی شد که اختلال PTSD یک واکنش روانی قابل اندازه‌گیری است. بنابراین به‌عنوان آسیب روانی شناخته نمی‌شود، ولی دادگاه با این نظر مخالفت کرد. در پرونده تجاوز به یک دختر دانشجو در ایالت آریزونا دادگاه این‌گونه استدلال نمود که فرد مهاجم متهم به تجاوز شدید نیست، زیرا آسیب‌های روانی مورد ادعای قربانی از زمره صدمات جسمانی جدی محسوب نمی‌شود. با تحولات نوین در حوزه روان‌پزشکی در آمریکا آسیب‌های روانی مفهوم گسترده‌تری یافت. مدعی باید تداوم وضعیت درد و رنج احساسی و آگاهی از درک این رنج را اثبات نماید، مصادیق آسیب‌های روانی در آمریکا شامل غم و اندوه از دست‌دادن عزیزان، اضطراب، از دست‌دادن مواهب زندگی و اندوه ناشی از تحمل رفتار مجرمانه می‌باشد (Mariosc et al, 2003: 327).

در آمریکا، عذرخواهی و غرامت دو روش ترمیم آسیب‌های معنوی به‌حساب می‌آید. در این کشور عذرخواهی به‌معنای پذیرش مسؤلیت است و فرد عذرخواه مقصر شناخته می‌شود (Wie, 2007: 56). عذرخواهی به‌عنوان روش ترمیم آسیب معنوی در ایالت ماساچوست آمریکا به‌عنوان راهکاری قدیمی در جبران آسیب معنوی شناخته می‌شود (Vines, 2007: 1).

طور کامل مشخص شده است، لذا هرگونه تغییر در میزان مسؤلیت فاعل زیان در تعزیرات منصوص، عملی خلاف شرع و حرام است. در پاسخ می‌توان گفت در شرع مقدس، موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای حدود نیز تعیین شده، ولی قانون‌گذار جبران خسارات معنوی در حدود را منع نموده است. بنابراین استدلال اخیر نمی‌تواند علت منع جبران خسارات معنوی از طرف قانون‌گذار در تعزیرات منصوص شرعی باشد.

علت مشخص‌نشدن حکم جرایم موجب قصاص و حد در تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. این است که «**قصاص و حد از اساس، مشمول آسیب معنوی نیستند و دیه و تعزیر منصوص نیز باید به همان‌ها ملحق شوند.**» نتیجه غیرمنطقی که پذیرش این سخن در پی دارد، اساساً آسیب معنوی فقط در جرایم موجب تعزیر غیرمنصوص شرعی قابل تصور است، درحالی‌که درخصوص وجود آسیب معنوی در برخی مصادیق جرایم حدی، همانند قذف و یا صدمات عمدی مستوجب قصاص، تردیدی وجود ندارد و نفی چنین مصادیقی از آسیب معنوی، با هیچ‌یک از اصول حقوقی سازگار نیست. پذیرش چنین نظری (هرچند هدف واقعی قانون‌گذار بوده باشد) موجب اختلاط مسؤلیت مدنی و کیفری و ضایع‌شدن قسمت عظیمی از حقوق زیان‌دیده است. بنابراین بهتر است که باتوجه به شیوه بیان قانون‌گذار، استثنای مذکور در تبصره را صرفاً در موضع نص (جرایم مستوجب تعزیر منصوص شرعی) تفسیر نماییم، لذا باتوجه به عدم منع قانون‌گذار و این‌که جبران آسیب معنوی ماهیتاً مسؤلیت مدنی است و اجرای مسؤلیت کیفری نباید موجب زائل‌شدن مسؤلیت مدنی فاعل زیان شود، لذا در کلیه جرایم (اعم از تعزیرات غیرمنصوص شرعی، تعزیرات حکومتی، قصاص و حدود) به جزء جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی و جرایمی که موجب پرداخت دیه هستند، خسارات معنوی قابل مطالبه است، هرچند که همین استثنای اخیر نیز توجیه منطقی و حقوقی ندارد (شایانی، ۱۳۹۸: ۷۹).

#### ۴- سیاست جنایی جبران آسیب معنوی در حقوق آمریکا

آمریکا در سال ۲۰۰۴ قانون «عدالت برای همه<sup>۱</sup>» مجموعه‌ای جدید از حقوق بزه‌دیدگان را مورد توجه قرار داد. این قانون در

<sup>2</sup>- Crime Victim Rights Act (CVRA)

<sup>1</sup>- Justice for All Act

داده می‌شود، این قوانین، بزرگسالان ناتوان در هر سن و افراد سالخورده را نیز شامل می‌شود.

مداخلات سرویس APS در قوانین ایالات متحده شامل موارد ذیل می‌گردد:

۱- دریافت و تحقیق گزارش‌های مربوط به موارد خشونت علیه سالمندان؛

۲- ارزیابی خطرات قربانی؛

۳- ارزیابی توانایی قربانی در درک کامل از خطرات خود؛

۴- تهیه یک طرح پرونده برای یک فرد بزرگسال مورد آزار؛

۵- ترتیب مراقبت‌های لازم مانند پناهگاه اضطراری مراقبت پزشکی مشاوره حقوقی و خدمات مرتبط؛

۶- نظارت بر ارائه خدمات؛

۷- ارزیابی کلی از هر مورد (Dussich, 1991: 88).

از سویی در پی تحولات نوینی که در راستای بزه‌دیده‌شناسی در آمریکا رخ داده، قانون حقوق بزه‌دیده<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۴ توسط کنگره به تصویب رسیده که در این قانون حقوقی برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته شده و تلاش گردیده که راهکارهایی برای اجرای آن در فرایندهای نظام عدالت کیفری در نظر گرفته شود.

با مذاقه در قانون حقوق بزه‌دیده ایالات متحده آمریکا، بزه‌دیده شخصی معرفی شده است که به‌طور مستقیم و بلافاصله در اثر ارتکاب جرم فدرال صدمه دیده است. با توجه به ذکر عبارت صدمه، به‌صورت مطلق می‌توان نتیجه گرفت که قانون حقوق بزه‌دیده بزه‌دیدگان را فارغ از هرگونه صدمه اعم از آسیب مادی یا معنوی مورد توجه قرار داده است (Fattah, 1991: 97).

### نتیجه‌گیری

در قانون اصلاح جبران خسارت جراحات پزشکی کالیفرنیا<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۵ میلادی دریافت غرامت تا سقف مشخصی به‌عنوان راهکار اصلی و غالب در ترمیم خسارت‌های معنوی (۲۵۰ هزار دلار) تعیین شد. این قانون در پی محدودکردن اختیارات هیأت منصفه در تعیین مبالغ سنگین و نامتعارف غرامت در دعاوی مطالبه آسیب‌های معنوی تصویب گردید (صالحی، ۱۳۹۹: ۱۰۳). ماده ۹۵۳ (مؤسسه اطلاعات حقوقی آمریکا مکاتبات خصوصی با دولت‌های پیشین)، برای تعیین میزان آسیب معنوی، معیار قرار داده شده است. در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، قانون بزه‌دیدگان<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۴ وضع شد. این قانون صندوقی را پیش‌بینی کرد تا جریمه‌های کیفری فدرال، مجازات و مصادرها را برای پرداخت غرامت به قربانیان اختصاص دهد (صادق‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۱۴).

از برجسته‌ترین نهادهایی که در کشور آمریکا به‌منظور حمایت‌های عاطفی و حیثیتی از بزه‌دیدگان سالمند در سال ۱۹۹۸ تأسیس گشته شبکه بین‌المللی پیشگیری از سالمند آزاری<sup>۳</sup> و «بنیاد و شرکت ایج‌ول ایالات متحده»<sup>۴</sup> می‌باشد که با بهره‌گیری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ماهر با قراردادن بزه‌دیده سالمند در فرآیند بهبود عاطفی، درصد زدودن آلام و رنج‌های روحی ناشی از ارتکاب جرم بر بزه‌دیدگان سالمند می‌باشند (خواجه نوری و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹۷).

در قوانین ایالات متحده خدمات حمایت از بزرگسالان<sup>۵</sup> نوعی خدمات اجتماعی هستند که برای بزرگسالان سالخورده و بزرگسالان دارای معلولیت که مورد آزار و اذیت، سوءاستفاده مالی یا ... قرار گرفته‌اند، فراهم شده است. سرویس مذکور پیش‌بینی شده در قوانین آمریکا نیز مانند خدمات حمایت از کودکان، ایمنی سلامتی و رفاه عمومی بزرگسالان، نیازهای ویژه را فراهم می‌کند (Erez, 1991: 142).

خدمات حمایتی که توسط دولت‌های ایالتی در قوانین تسهیل گشته به کلیه بزرگسالانی که در معرض بدرفتاری و بی‌توجهی قرار داشته و یا قادر به مراقبت و محافظت از خود نیستند، نسبت

<sup>4</sup>- Agewell Foundation USA Inc

<sup>5</sup>- APS

<sup>6</sup>- Crime Victim Rights Act

<sup>1</sup>- CMICRA

<sup>2</sup>- VOCA

<sup>3</sup>- The International Network for the Prevention of Elder Abuse

نتیجه حاصل شده از بررسی تطبیقی حقوق ایران و آمریکا این است که مفهوم آسیب معنوی در حقوق ایران و آمریکا دارای مصادیق متعددی می‌باشد، یعنی در حقوق ایران باتوجه به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار نظری بر غیرحصری بودن خسارت معنوی و راهکارهای آن داشته است و بزه‌دیده در آسیب‌های منجر به دیه یا ارش حق مطالبه خسارت معنوی نداشته است، اما قانون‌گذار به‌صورت تمثیلی به ارائه راهکار آسیب معنوی پرداخته است. در حقوق جزا، جبران خسارت معنوی بیشتر از حقوق مدنی دارای اهمیت است، زیرا رنج اخلاقی و صدمات روحی اشخاص بزه‌دیده بیشتر از زیان معنوی است. علی‌رغم پذیرش قانون‌گذار همچنان نقص و ابهام برای حمایت از حقوق بزه‌دیده و آسیب‌های معنوی وی وجود دارد.

بنابر آن چه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که باوجود پیش بینی امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی در نصوص قانونی، صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت معنوی با مشکل مواجه است که این مشکل معمولاً در مرحله تعیین میزان ضرر معنوی وارده و نبود معیار صحیح و قابل اعتمادی که قضات محاکم با اقتناع وجدان به تعیین میزان خسارت معنوی وارده بپردازند، است. بنابراین در هر مورد خاص باید سنجید که با چه چیزی، مجنی‌علیه یا متضرر تشفی خاطر می‌یابد و از او اعاده حیثیت می‌شود و نمی‌توان در این مورد یک حکم کلی صادر کرد که این کار حتی می‌تواند با اخذ نظر خود متضرر نیز صورت گیرد. پیشنهادی که می‌توان مطرح نمود این است که مطالبه خسارت آسیب معنوی ناشی از جرم در دیه و تأثیرات منصوص شرعی بلامانع باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** برابر.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی و عربی

- ایزانلو، محسن (۱۳۸۷). «استرداد مزایای تأمین اجتماعی از محل دین مسؤولیت مدنی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸(۱): ۲۹-۴۹.

- پتق، فائزه (۱۳۹۶). *بررسی ماهیت و نحوه جبران آسیب معنوی بزه‌دیدگان ناشی از جرم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲*. همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۳). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. چاپ سی و هشتم، تهران: گنج دانش.

- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*. جلد هفدهم، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.

- داودی، مهدی، حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن و کاظمی جویباری، مهدی (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی حمایتی حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند در نظام کیفری ایران (با نگاهی به اسناد بین‌المللی و حقوق آمریکا)». *فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی*، ۱۴: ۳۹۹-۴۰۶.

- ره‌پیک، حسین (۱۴۰۱). *حقوق مسؤولیت مدنی و جبران‌ها*. جلد سوم، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات خرسندی.

- زیرجد، زهرا (۱۴۰۱). «جبران خسارت ناشی از جرم با تأکید بر آسیب‌های معنوی بزه‌دیدگان». *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*، ۱۱۰-۱۱۳: (۲).

- سرخوش، جواد و پژم، کلثوم (۱۳۹۶). «بررسی رویکرد فقهی و حقوقی قوانین جاری نسبت به خسارت معنوی ناشی از جرم در حقوق کیفری ایران». *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۳(۳): ۱۷۷-۱۹۱.

- شایانی، مسعود (۱۳۹۸). *ضررهای ناشی از جرم در حقوق ایران با تکیه بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب*

۱۳۹۲. به راهنمایی دکتر مجید رحمانی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی.
- صادق‌نیا، مریم، محمدنسل، غلامرضا و خواجه نوری، یاسمن (۱۴۰۰). «راهکارهای ترمیم آسیب‌های معنوی ناشی از جرم در حقوق ایران، انگلستان، فرانسه و آمریکا». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۸: ۳۰۳-۳۲۵.
- صادق‌نیا، مریم، محمدنسل، غلامرضا و خواجه نوری، یاسمن (۱۴۰۰). «راهکارهای ترمیم آسیب‌های روحی ناشی از جرم در حقوق ایران، انگلستان، آمریکا و فرانسه». *فصلنامه علمی - پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۴(۵): ۸۸۳-۸۸۹.
- صالحی، حمیدرضا (۱۳۹۹). «جبران خسارت‌های معنوی ناشی از معالجات پزشکی در حقوق آمریکا و ایران». *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۵۳(۱۴): ۷۷-۱۲۰.
- فیاضی، قاسم (۱۳۹۷). «معیارهای ارزیابی آسیب معنوی». *دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت*، ۹(۵): ۴۹-۷۰.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*، جلد هفتم، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). *الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسؤولیت مدنی*، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). *وقایع حقوقی مسؤولیت مدنی: (دوره مقدماتی حقوق مدنی)*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷). *عناوین*. تبریز: چاپ سنگی، بی‌نا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *قواعد الفقهیه*. جلد دهم، قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمومنین.
- منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۳۸۷). *مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*. قم: ارغوان دانش.
- نجفی خوانساری، شیخ موسی (۱۳۵۸). *منیه الطالب*. جلد بیستم، نجف: انتشارات مرتضوی.
- هاشمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۹۵). *قلمرو خسارات قابل جبران با تأکید بر تحولات قوانین کیفری*. به راهنمایی دکتر محمد عابدی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- یوسفی صادق‌لو، احمد و سرمست درگاه، زینب (۱۳۹۷). *مقایسه تطبیقی ارکان آسیب معنوی در حقوق ایران و فرانسه. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)*، ۳۷: ۱۳۱-۱۶۰.
- ب. منابع انگلیسی**
- Bertoni, E (2010) *determining jurhsdiction internet defamation cases: inglish on latin america*. Buenos Aires: the university of palermo.
- Dussich, JPJ (1991). "Some Theoretical and Pragmatic Observations on the Abuse of Power". In: Lowen J. *Victims & Criinal Justice*. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck-Institiute. Vol.51: 88, 362.
- Erez, E (1991). *Victim Participation in Sentencing, Sentence Outcome and Victim's Welfare*. In: Lowen J. *Victims and Criminal Justice*. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck Institute. Vol.51: 142.
- Fattah, E (1991). *Understanding Criminal Victimization. Ontario*. Scarborough: Prentice-Hall.
- Mariosc. A, MD, MSc, LLM, Mrcp sychand Anthony S.Hale, MB, MS (2003). *PHD, Frcp sych, PTSD and the law of psychiatric injury in england and Wales: finally coming closer? the journal of the american academy of psychiatry and the law*, 327-332
- Prosser, W (1960). "Privacy". *California Law Peview*, 48(383): 383-423.
- Vines, P (2007). "The Power of Apology Mercy, Forgiveness or Corrective Justice in The Civil Liability Arena". *The Journal of Law and Social Justice*, 1: 1-29.

- WIE, M (2007). "Doberry man actors, apologies and the law: an analysis and critique of apology laws". *journal of health law, social science research network*, 81: 59-107.

